

آسیب‌شناسی اقتصادی و سیاسی دولت‌های رانتیر در خاورمیانه، مطالعه موردی کویت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰۳/۱۲

حسین مسعودنیا^۱

پیمان شیخ محمودی^۲

چکیده

دولت‌های رانتیر به دلیل وابستگی شدید به درآمدهای رانتی، در جنبه‌های اقتصادی و سیاسی خود دچار آسیب‌هایی شده‌اند و به نظر می‌رسد این آسیب‌پذیری خصلت لاینفک دولت‌های مذکور است. دولت‌های رانتیر در وجه سیاسی به دلیل تفکیک منابع درآمدی خود از جامعه دارای خصلتی اقتدارگرا و غیردموکراتیک می‌باشند. در وجه اقتصادی نیز ویژگی بارز این نوع دولت‌ها؛ تک‌محصولی، اقتصادی تورم‌زا همراه با بیکاری و کسری بودجه می‌باشد. این پژوهش با مطالعه موردی کویت، بسان دولتی رانتیر درصدد آنست به آسیب‌شناسی اقتصادی و سیاسی آن بپردازد. در وجه اقتصادی؛ کویت برای تنوع در اقتصاد تک‌محصولی خود، تلاش‌هایی کرده است اما همچنان بخش قابل توجهی از اقتصاد آن از درآمدهای نفتی عاید می‌شود. ویژگی دولت رانتیری از جمله کویت، توأم بودن اقتصاد آن با کسری بودجه، تورم و بیکاری است. این ویژگی به‌زعم خود سبب شد به تدریج به سمت اقتصادی وارداتی و وابسته،

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) H. Masoudnia@ase.ui.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان Paymanshaykhmahmodi@gmail.com

گرایش پیدا کند. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد عامل اصلی بی‌ثباتی در اقتصاد کویت، نوسانات قیمت نفت از یکسو و وابستگی شدید به درآمدهای نفت از سوی دیگر بوده است. در وجه سیاسی هم ویژگی اصلی این دولت، عدم مالیات‌ستانی و عدم نمایندگی است که آن را به سمت دولتی اقتدارگرا و غیردموکراتیک سوق می‌دهد؛ زیرا دولتمردان این کشور با حمایت‌های مالی درصدد خرید سیاسی و به تعویق انداختن دموکراسی هستند. به نظر می‌رسد با تداوم چنین بحران‌هایی، دولت کویت با چالش‌های سیاسی و اقتصادی مشهودی در آینده خود روبرو شود.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد نفت، کویت، تک محصولی، اقتدارگرایی، غیردموکراتیک



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

به نظر می‌رسد کشورهایی که به منابع طبیعی از جمله نفت دسترسی دارند بهتر بتوانند به توسعه دست یابند اما آن چرا که واقعیت دارد اینست که دولت‌های رانتیر با وجود دراختیار داشتن چنین منابع عظیمی، با فقر فلاکت‌بار و بحران‌های اقتصادی روبرو هستند و از این نظر اقتصاد آنها عموماً آسیب پذیر است. غنای منابع طبیعی و اقتدار اقتصادی که گاه همسنگ یکدیگر قلمدار می‌شوند مناسبتی پیچیده دارند. ژاپن بدون داشتن منابع طبیعی توانست خود را به قدرت دوم اقتصادی جهان برساند بدون اینکه منابع طبیعی قوی داشته باشد در حالیکه کشورهای بهره‌مند از این مواهب در تبدیل آن به صورت ملی ناکام ماندند. شاهد آن نیز گریبانگیر کشورهای تولیدکننده نفت را گرفت. برخی از صاحب‌بنظران به دلیل آثار بعضاً وخیم اقتصادی و اجتماعی از آن به عنوان بلای نفت یاد می‌کنند. مکنت نفتی توانست نهادهای فاسد و اقتصادی ناموزن را بوجود آورد. در واقع درآمدهای نفتی توانست سدی در برابر بنگاهداری، رشد سرمایه انسانی و توسعه اقتدار ملی دارندگان آن قرار گیرد (نای: ۱۳۹۲، ۹۵).

دولت‌های رانتیر از این لحاظ که به نفت دسترسی دارند و رانت بخشی از اقتصادشان را تغذیه می‌کند سبب شده که به اقتصاد تک محصولی به دور از تنوع ساختاری گرایش پیدا کنند و اقتصاد خود را با چالش مواجه کنند. در این دولت‌ها اگرچه اقتصاد نفت توانست آنها را به سمت توسعه اقتصادی سوق دهد اما همواره ساختار اقتصاد ایشان را تحت تأثیر قرارداد و برای این کشورهای بحران‌های مالی برجای گذاشت. این پژوهش با بررسی رویکردهای اقتصادی و سیاسی کویت به عنوان یک دولت رانتیر، درصدد آنست که این دولت را از جنبه اقتصادی و سیاسی آسیب شناسی کند بدین معنا این آسیب‌شناسی باید به ما کمک کند که دریابیم این کشور از جنبه اقتصادی نفت چه تأثیری گذاشته است و از لحاظ سیاسی هم علاوه بر تأثیرگذاری تا چه حد باثبات و تا چه حدی

بی ثبات می‌باشد. درجبه اقتصادی کویت قبل از کشف نفت اقتصادی بر مبنای صید مروارید، ماهیگیری و تجارت داشت و بعد از کشف نفت و تفکیک منابع درآمدی خود از جامعه توانست زیرساخت‌های اقتصادی آنرا تحت تأثیر قرار دهد. اقتصاد این کشور به شدت وابسته به درآمدهای نفتی است و بخش قابل توجهی از درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد هرچند این کشور برای تنوع اقتصادی خود دست به اقداماتی در زمینه‌های تجاری و صنعتی زده است اما هنوزم اقتصاد نفت بخش قابل توجهی از اقتصاد آن را دربر میگیرد به صورتی که سرمایه‌گذاری این کشور بیشتر دولتی آن هم در بخش نفت بوده و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آن ضعیف و وابسته است. در زمینه سیاسی این کشور نسبت به دیگر کشورهای همجوار از نوع خود تا حدودی دموکراتیک تر است اما هنوز کویت به سبب ساختار سیاسی پاتریمونیالیستی توسط خاندان آل صباح اداره می‌شود که تمام مناسبات سیاسی را در دست گرفته‌اند. این امر سبب شده عملاً مشارکت سیاسی، احزاب، انتخابات و دیگر نهادهای جامعه دموکراتیک به معنای واقعی کلمه در این کشورها رشد نکند یا اینکه جایی نداشته باشد. در کویت همانند دیگر دولت‌های رانتیر اولاً با کشف نفت و تفکیک منابع درآمدی دولت سبب عدم نمایندگی و عدم پاسخگویی شد ثانیاً دولتمردان خود را از این پاسخگویی مبرا دانستند و در نهایت سیاستمداران و دولتمردان نسبت به آن احساس بی‌نیازی کردند. در نهایت به دلیل وابستگی به نفت، از لحاظ سیاسی دولتی با حجم گسترده تشکیل شد و برای اینکه بتواند خواسته‌های شهروندان را مبنی بر اجرای عدالت اجتماعی، مشارکت سیاسی و آزادی‌های سیاسی را سرکوب کند به سمت یک دولت بروکرات کشیده شد و حتی به خرید سیاسی و رفاه اجتماعی افرادی که در دستگاه‌های اداری و سیاسی نفوذ داشتند سوق داده شد تا بتواند مطالبات مذکور را به تعویق بیندازد. بدین‌سان می‌توان گفت با رشد طبقه متوسط و گسترش شبکه‌های اجتماعی در این دولت نفتی این طبقه خواهان مشارکت سیاسی و دخیل در امور سیاسی

هستند و با آگاه شدن این طبقه دولت مزبور نمی‌تواند همچنان به تداوم خرید سیاسی، انتخابات فرمایشی و سرکوب، خواسته‌های دموکراتیک خواهانه مردم بپردازد و به نظر می‌رسد که با تداوم چنین سیاست‌هایی در سال‌های آتی با بحران‌های مالی و سیاسی مواجه گردد.

چارچوب نظری

این تحقیق بر پایه نظریه تری لین کارل^۱ در مورد نقاط ضعیف و آسیب‌پذیر دولت‌های رانتیر مورد تحلیل قرار گرفته است. کارل در کتاب "معمای فراوای، رونق‌های نفتی، دولت‌های نفتی" نشان می‌دهد، چگونه با ورود سیل آسای درآمدهای نفتی به اقتصاد کشورهای نفتی، حوزه اختیارات و تعهدات دولت گسترش می‌یابد اما در عین حال اقتدار و نهادهای قانونی آن تضعیف می‌شود. کارل ادعا می‌کند آنچه وی "دولت‌های نفتی" می‌نامد به رغم تفاوت‌های آشکار در نوع رژیم، فرهنگ و موقعیت ژئواستراتژیک دارای ترتیبات نهادی و الگوهای سیاست عمومی فوق‌العاده مشابهی هستند. وابستگی به نفت آنها را به سمت تمرکزگرایی شدید قدرت سیاسی و نظام اداری آشفته و نامنسجم هدایت می‌کند (کارل: ۱۹۴۷، ۳۵۸). کارل چنین استدلال می‌کند که در ونزوئلا نفت باعث ایجادجوی ساختاری شد که ایجاد یک معاهده اصلاح طلبانه رابه دنبال داشت. در آنجا (ونزوئلا) هم مانند کشورهای خلیج فارس نفت موانع اصلی دستیابی گزینه آرایش نخبگاه را با از بین بردن پایه‌های سیاسی محافظه کار دست راست و رژیم‌های بنیادگرای چپی از طریق کنارگذاشتن کارگزاران شرکت‌های نفتی که دارای تمایلات سیاسی بودند و روی آوردن به طبقه متوسط که از عقاید خاص سیاسی و انسجام خاصی برخوردار نبودند از میان برداشت. یکی از ویژگی‌های کشورهای وابسته به نفت بحران کارآمدی وجود دولت‌های

ناکارآمد و بی‌کفایت است. وجود رانت ظرفیت دولت را در این کشورها تحت تأثیر خود قرار می‌دهد زیرا توسعه نهادی را از مسیر اصلی خود منحرف می‌سازد. در کشورهای غیررانتی فشار شدید جمعیت بر منابع کمیاب تحول را نسبت به ناکارآمدی و چپاولگری کاهش می‌دهد و نظام اقتصادی نمی‌تواند از یک بروکراسی حمایت کند ولی در دولت‌های رانتی مانع کمیابی وجود ندارد. در مقابل وابستگی به رانت (نفت) گسترش دولت به حوزه‌های جدید را که منجر به تضعیف فرصت‌های تعمیق ظرفیت‌های مدیریتی می‌شود تعریف می‌کند. اثر رانت بر حاکمیت اثرمضری است صرف نظر از اینکه رژیم مورد نظردیکتاتوری و یا دموکراسی می‌باشد (Karel:2007,16). با مطالعه و پژوهشی که در این تحقیق انجام گرفت این فرضیه را نشان می‌دهد که دولت کویت با تزریق درآمدهای نفتی به اقتصادش سبب ظهور بیماری هلندی و شومی منابع شد. این دولت پس از کشف نفت و جایگزین شدن اقتصاد نفت مستقل از جامعه گردید و در تمام زمینه‌ها این استقلال اقتصادی و سیاسی احساس شد. نهایتاً اینکه این درآمدها سبب شد در کوتاه مدت با بحران مالی، کسری بودجه، فساد، عقب‌ماندگی، توسعه نیافتگی و اقتدارگرایی در ساختار سیاسی مواجه شود. وابستگی شدید این دولت به درآمدهای نفت از مهمترین علل این بحران‌ها می‌باشد. ساختارهای اقتصادی و سیاسی این کشور چنان با درآمدهای نفتی درآمیخته که نمی‌توانند مستقل از این درآمدها عمل کند و تمام فعالیت‌هایش حول محورنفت قرار گرفته است. تنها راه برون رفت از این بحران‌ها مدیریت درآمدهای نفتی می‌باشد و نهایتاً می‌توان گفت اگر این دولت بخواهند به پشتوانه درآمدهای نفتی همچنان به تداوم قدرت و عدم اصلاحات ادامه دهد و نخواهد در سیاست‌های اقتصادی و سیاسی خود بازنگری نماید به نظر می‌رسد در سال‌های آتی با بحران‌های سیاسی و اقتصادی شدیدتری مواجه می‌گردد.

کویت

امیرنشین کویت با ۱۷۸/۱۸ کیلومترمربع مساحت در شمال شبه جزیره عربستان و شمال غربی خلیج فارس قرار گرفته است که از شمال به عراق، از جنوب به عربستان و از شرق به خلیج فارس محدود می‌گردد. این کشور سرزمینی مسطح و بیابانی است که سطح آن را ماسه پوشانده است. در کویت عوارض طبیعی چون کوه‌ها و رودها وجود ندارد (رودباری: ۱۳۷۵، ۱). این کشور انتهایی‌ترین نقطه شمال غربی خلیج فارس و بین سه کشور ایران، عربستان و عراق واقع شده است و یکی از کشورهای مهم عضو اوپک می‌باشد (یوسفی لیمائی: ۱۳۷۹، ۱۴) و با ذخایر بسیار عظیم در ساحل جنوبی خلیج فارس که دارای یک اقتصاد نسبتاً باز و از لحاظ جغرافیایی کوچک اما ثروتمند با ذخایر نفت خام در حدود ۱۰۲ میلیارد بشکه که بیش از ۶ درصد از ذخایر جهان را تشکیل می‌دهد. بیش از نیمی از تولید ناخالص داخلی (GDP) ۹۵ درصد از درآمد حاصل از صادرات و ۹۵ درصد از بودجه دولت از اعیادت حاصل از فروش نفت بدست می‌آید. (index: 2014,12).

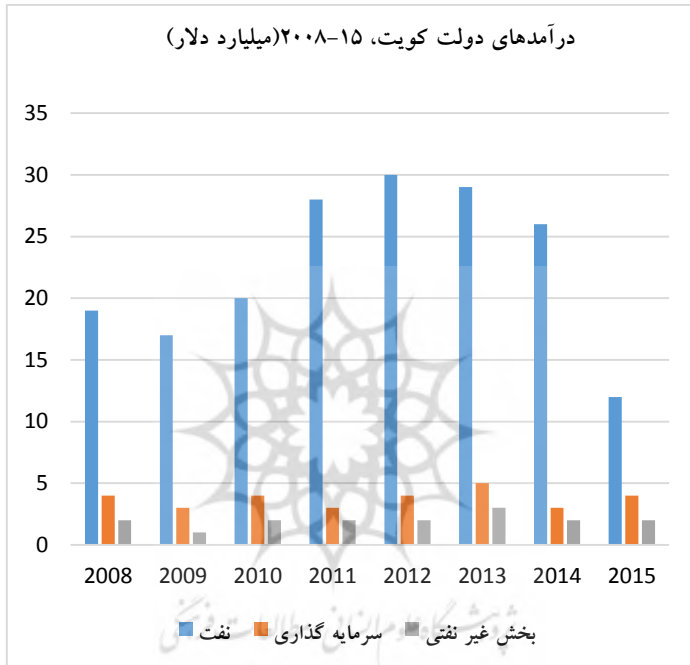
آسیب شناسی اقتصادی: تأثیر نفت بر اقتصاد کویت

تک محصولی بودن اقتصاد

اقتصاد کشور کویت در گذشته بر پایه دامپروری، ماهیگیری و صید مروارید بنا شده بود. کشف نفت در سال ۱۳۳۹ به تدریج اقتصاد این کشور را تغییر داده و با توجه به میزان متوسط درآمد، آن را تبدیل به یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان نمود. اولین تشکیلات حکومتی در دهه ۱۹۵۰ میلادی بانقش عمده انگلیس این شیخ نشین ایجاد شد. (اصغری ثانی: ۱۳۹۳، ۱۸۵) این کشور ۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۹۴ درصد از درآمد صادراتی آن از صادرات نفت بدست می‌آید. (Reuters: ۲۰۱۴) در حالیکه اقتصاد کویت به شدت وابسته به درآمد

حاصل از صادرات نفت است سطح تولید نفت برای توسعه اقتصاد کشور حیاتی است و برای رشد اقتصادی به بخش نفت وابسته است. (Economie report: 2014,15).

نمودار ۱. درآمد بخش‌های مختلف اقتصاد کویت



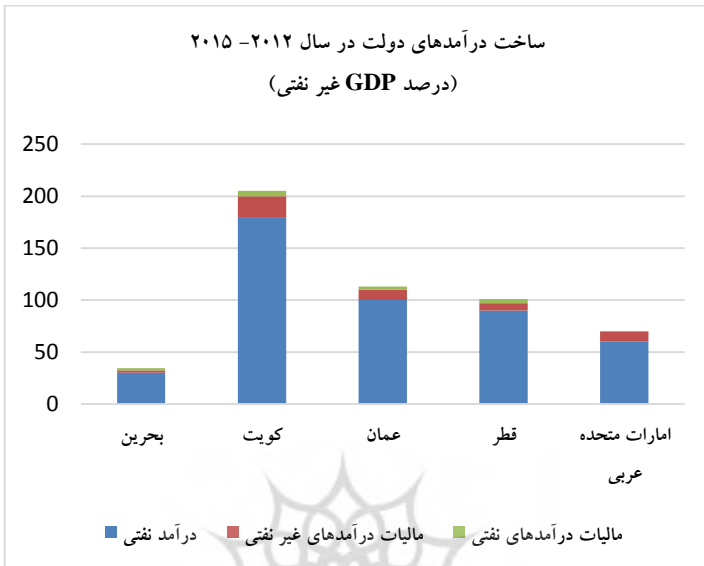
Sources: Country authorities; and IMF staff calculations

نمودار فوق درآمدهای دولت کویت در سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ را نشان می‌دهد. بیشترین درآمد در طول این سال‌ها را درآمدهای نفت تشکیل می‌دهد و بقیه بخش‌های اقتصادی این کشور از جمله سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌های غیرنفتی کمترین سهم را در این کشور شامل می‌شود که این به زعم خود وابستگی شدید این کشور به درآمدهای نفتی را نمودار می‌سازد. با این حال در طول سال‌های فوق، درآمدهای نفتی ثابت نبوده و همواره در نوسان بوده است و این عدم ثبات

در قیمت نفت یکی از مهمترین عواملی بوده است که منجر به بی ثباتی اقتصادی در کویت شده است.

همراه با کشف نفت در نزدیکی‌های شهر کویت در سال ۱۹۳۸ اعلام شد که سرزمین کویت از منابع نفتی بزرگی برخوردار است. کویت تا این تاریخ به صورت شیخ نشین نیم دایره شکلی گسترش یافته بود که بخش بزرگی از آن را سرزمینی با صحرای مسطح تشکیل می‌داد. این سرزمین که قرن‌ها عملاً بی‌صاحب قلمدار می‌شد و از هر موهبت الهی بی‌بهره بود ناگهان به عنوان انبار بی‌کران نفت اعلام شد (مجتهد زاده: ۱۳۸۹، ۴۱-۴۲). نفت کشور کویت را ثروتمند کرد و بخش نفت بزرگترین بخش تولید است که حجم گسترده‌ای دربر گرفته است تا جایی پایه اقتصادی این کشور چه در بخش اقتصاد نفتی و غیرنفتی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. با این وجود توانگری کویت نتوانست به طور خود کار پیش قدم توسعه اقتصادی و اجتماعی در این کشور شود. ابتدا نفت در سال ۱۹۳۸ در کویت کشف شد. بعد از قراردادی که میان دولت کویت و انگلیس منعقد شد کشف، استخراج و تولید نفت در سال ۱۹۴۸ شروع شد. بعد از دهه‌ها تولید و استخراج درآمدهای این کشور افزایش یافت و در سال ۱۹۴۶ از ۷۶۰ هزار دلار به ۵۶۷/۵ میلیون دلار در سال ۱۹۶۵ رسید. با افزایش ثروت باد آورده نفت در سال ۱۹۷۰ قیمت نفت افزایش یافت و به ۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۶ رسید. این درآمدها بیش از دو سوم تولید ناخالص داخلی کویت را تشکیل می‌دهد (Segal, El-katif: 2011, 12). علاوه بر این به دلیل تکیه بر این درآمدها دولت کویت خود را مستقل از اخذ مالیات دانسته و در اقتصاد این کشور سهم مالیات کم‌رنگ و ناچیز است.

نمودار ۲. ساخت درآمدهای دولت‌ها در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵



Source: IMF, World Economic Outlook, 2016

درآمدهای نفتی و اقتصاد تک محصولی متکی به نفت بخش قابل توجهی از اقتصاد کویت را به خود اختصاص داده است که به زعم خود آسیب پذیری اقتصاد این کشور را نمایان می‌سازد. طبق نمودار این دولت مالیات ستانی کمترین سهم از درآمد دولت را تشکیل می‌دهد به‌علاوه ویژگی بارز اکثر دولت‌های نفتی عدم مالیات ستانی است که دولت کویت نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به دلیل تکیه بر درآمدهای نفتی خود را میرا از مالیات ستانی می‌داند.

اقتصاد کویت از آغاز پیدایش دو قرن و نیم پیش تا به امروز چند دوره متفاوت را گذراند و طی دوره نخست با استقرار قبیلۀ مهاجر "العیتی" از شبه جزیره

عربستان آغاز شد. در این دوره کویت اقتصادی قبیله‌ای داشت که نظام طبیعی آن شد و بر پایه صید مروارید، ماهیگیری و بازرگانی محدود استوار بود. دوره دوم تحول اقتصادی اقتصاد کویت در نیمه دوم قرن هجدهم زمانی که صید مروارید و بازرگانی در کویت رونق بیشتری یافت و موقعیت مناسب بندرگاهی کویت را به یک بندر بازرگانی برای بین عراق - حلب و سواحل غرب شبه قاره هند تبدیل کرد. در قرن ۱۸ و ۱۹ اقتصاد کویت مبتنی بر تجارت بود و شهر کویت با بصره در عراق در جذب تجار هندی و خاورمیانه‌ای با یکدیگر رقابت می‌کردند. ماهیگیری نیز از همین زمان به صنعتی مهم در این کشور مبدل شد اما به دنبال توسعه صنعت کشتی سازی در ژاپن و نیز بروز رکود اقتصادی گسترده در دهه ۱۹۲۰ این صنعت در کویت از رونق افتاد. دوره سوم تحول اقتصادی کویت با کشف و استخراج نفت توأم بود. در سال ۱۹۱۱ کمپانی نفت ایران و انگلیس^۱ مشغول توسعه میادین نفتی در ایران بود که تقاضای مذاکره با مقامات کویتی را مطرح کرد. این تقاضا از سوی دولت انگلیس که از زمان انعقاد پیمان ۱۸۹۹ سکان سیاست خارجی کویت را در دست داشت رد شد (مجتهد زاده، ۱۳۸۹، ۴۱) و دو سال بعد دولت انگلیس گروهی زمین شناس به این کشور روانه کرد. در سال ۱۹۱۳ دولت انگلیس در راستای پیمان ۱۸۹۹ قرارداد جدیدی را با شیخ مبارک منعقد کرد که بر طبق آن هر شرکت خارجی که مایل به انجام مطالعه و فعالیت در کویت باشد پس از موافقت دولت انگلیس فعالیت خود را آغاز کند. به دنبال پایان یافتن جنگ جهانی اول تقاضا برای نفت فزونی گرفت و در سال ۱۹۵۳ این کشور به بزرگترین صادرکننده در خلیج فارس مبدل شد (تیشه بار: ۱۳۸۴، ۱۵). مقامات کویتی متعهد شدند تا سال ۲۰۲۰ تولید نفت را به چهار میلیون بشکه در روز ارتقاء دهند. مازاد بودجه

متعهد شده حدود ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) است که به هزینه‌های بالاتر بودجه بخصوص افزایش دستمزد برای بسیاری از کارمندان بخش دولتی و افزایش سامان بخشی برای تنوع به اقتصاد خود انجامیده است (Index:2014,12).

درکویت نفت شکوفایی شگرف و درعین حال وابستگی بازاری بی ثبات را به همراه داشت اما تحولاتی که در نتیجه وجود نفت بوقوع پیوست بسیار عمیق تر از این بود. نفت اقتصاد جدیدی را با خود به همراه آورد که بهره مالکانه پایداری شده بود. چنین اقتصادی عمیقاً متکی به صدور یک ماده خام صرف است که برای تولید آن احتیاجی به ایجاد با سایر موارد اقتصادی نیست. یکی از پیامدهایی که به این اقتصاد عاید می‌شود افزایش قدرت دولت است. درازمدت نفت وابستگی‌های بین‌المللی جدیدی را نیز ایجاد کرد و این کشورها به تدریج برای کسب سرمایه، نیروی کار و کالا وابستگی بیشتری پیدا کردند که این پیامدها در کوتاه مدت قابل رؤیت نیست. پیامدهای آنی درآمد‌های نفتی، نابودی پایه اقتصادی حکومت و خانواده بازرگانان را به یکدیگر پیوند می‌داد و ظهور صف‌آرایی بی ثبات و تازه‌ای بود که بازرگانان را بوجود آورده بود و درجو تازه‌ای که از وفور نشان داشت دوام نیافت. پیامد دیگر درآمد‌های نفتی این بود که به محض آنکه نفت اقتصاد کشور را قبضه کرد وجه مشترک بازرگانان را که از روند تولید سرچشمه می‌گرفت و سبب اتحادشان می‌شد را از میان برداشت. نفت صنعتی بدون مرزی است که تنها به تعدادی محدود کارگر محتاج است و پیوندهای اجتماعی و اقتصادی محدودی را ایجاد کرد و همین خصوصیات نفت بود که باعث دگرگونی پایه‌های اقتصادی کهن بازرگانان شد و همراه با آن عوامل بوجود آورنده طبقه تجار را دستخوش تغییر کرد (کریستال: ۱۳۷۸، ۱۹) واقعیت این است که کویت توسط یک دولت رانتهی اداره می‌شود و این دولت به توسعه یک سیستم اقتصادی و اجتماعی‌ای اقدام کرده است که رفتار رانت جویی را تشویق می‌کند (Alzumai, 2014:12).

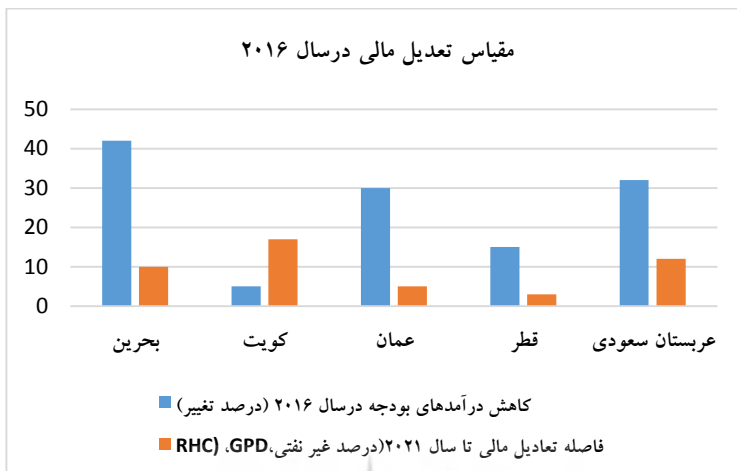
زیرا دولت و اقتصاد رسمی کشور از طریق اعمال نظارت بر شرکت‌های بخش عمومی و دیگر بخش‌هایی که مستقیماً وابسته به خزانه دولت هستند تسلط دارد. براین اساس مانع اصلی مطالبات اصلاحات دولت کویت نقش و جایگاه دولت رانتیراست. تاثیر اقتصادی چنین وضعیتی را می‌توان در وابستگی دولت کویت به رانت‌های عمدتاً حاصل از نفت مشاهده نمود که منبع اصلی درآمد آن کشور به حساب می‌آید. این امر به نوبه خود ظهور بورژوازی مستقل که بتواند دولت را در داد و ستد اقتصادی درگیر نموده و نسبت به شناسایی حقوق، مسؤلیت‌ها و تعهدات ملزوم سازد نسبتاً منتفی ساخته است. دولت رانتیر می‌کوشد تا از طریق ارائه خدمات و فعالیت‌های اقتصادی وابسته به درآمدهای نفتی مردم را راضی نگه دارد (محقق: ۱۳۸۹، ۱۹۵).

کسری بودجه

کارشناسان اقتصادی معتقدند به موازات افزایش قیمت نفت برخی از کشورهای تولید کننده نفت هزینه‌های بودجه‌ای خود را افزایش داده‌اند بنابراین نیازمند قیمت بالای نفت جهت برقراری تعادل در تراز بودجه خود هستند. قابل توجه است که نیاز کشورهای عضو اپک به قیمت مناسب نفت برای برقراری تعادل در بودجه بسیار متفاوت بوده و این مساله اپک را برای تجدید نظر در سیاست‌های تولید و عرضه نفت با مشکل روبرو کرده است (نوروز: ۱۳۹۳: ۴). کاهش بهای نفت، افزایش هزینه‌های عمومی و کسری بودجه مستمر دولت کویت را ناچار کرد تا در پی ساختار اقتصادی و تغییر الگوی نظام اقتصاد واقع‌گرا برود. در واقع تا قبل از کشف نفت در کویت این کشور به عنوان یک کشور تجاری مهم شناخته شده بود اما کشف نفت و درآمدهای ناشی از صادرات آن در پنجاه سال اخیر نقطه آغاز مهمی برای گسترش مدرنیته و بروز تحولات اجتماعی و اقتصادی در زندگی کویتی‌ها بوده است (تیشه‌بار، ۱۳۸۴: ۱۲) درآمدهای نفتی در کشورهای نفتی باید موجب تسهیل فرآیند پیشرفت اقتصادی

و اجتماعی می‌شد اما این درآمدها سبب تهی شدن منابع نفتی کشور مشوق رشد فعالیت‌های شهری کاملاً وابسته به درآمدهای نفتی، تغییر توزیع درآمد و ثروت به نفع یک اقلیت کوچک و ایجاد تعادل تولیدی و مصرفی شد و نهایتاً نرخ‌های بالای تورم را موجب گردید و سبب بیکاری هم شد. این درآمدها به تدریج بخش کشاورزی و روستایی را نابود و به تعارضات اجتماعی و بی‌نظمی اجتماعی انجامید (همایون کاتوزیان: ۱۳۷۷، ۱۳۴). کاهش درآمدهای نفتی به کسری بودجه و کاهش هزینه‌های دولت که متکی به این درآمدهاست لطمه وارد می‌کند و این امر کاری معقولانه نخواهد بود زیرا پایه و بنیان مشروعیت حکومت را زیر سؤال می‌برد (Basedau, 2004:7). مهرآرا و اسکویی با بررسی پویایی تکانه‌های نفتی با بررسی موردی بر روی کویت تکانه قیمت نفت را مهمترین منبع نوسانات تولید ناخالص داخلی می‌داند و تکانه واردات نیز از مهمترین تغییرات آنها می‌باشد. شکیبایی و همکاران نیز با استفاده از داده‌های ماهانه دوره زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۶ کشورهای اعضای اپک از جمله کویت دریافتند که قیمت‌های نفت ممکن است منبع عمده نوسانات نرخ‌های ارز باشد و بین نرخ ارز و قیمت نفت رابطه‌ای بلند مدت وجود دارد. همچنین وابستگی اقتصادی به درآمدهای نفتی سبب اتکاء اقتصادی این کشورها به دریافت منظم فرآیند درآمدهای نفتی گردیده است. در چنین حالتی کاهش قیمت نفت موجب مشکلات فراوانی از جمله کسری بودجه، تورم و کاهش ارزش پولی داخلی می‌گردد (شکیبایی، افلاطونی، نیکبخت ۱۳۸۷، ۲۵).

نمودار ۳. مقیاس تعدیل مالی (بودجه GDP, RHC) در کشورهای حوزه خلیج فارس



Source: IMF staff estimates.

جدول فوق تعدیل مالی از جمله کسری بودجه در کشورهای حوزه خلیج فارس را نشان می‌دهد. دولت کویت در سال ۲۰۱۶ به دلیل کاهش قیمت نفت و کاهش تقاضای جهانی با کسری بودجه ۵ درصدی روبرو بوده است. کسری بودجه سبب شده این دولت با بحران‌های مالی از جمله تورم و بیکاری روبرو شود. ویژگی بارز دولت‌های رانتیری از جمله کویت توام بودن بودجه آنها با کسری بودجه همراه با تورم است که همواره سهم قابل توجهی از اقتصاد این کشور را در بر می‌گیرد. تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد این دولت اگرچه توانست درآمدهای هنگفتی نصیبش کند اما توانست اقتصادش را تحت تأثیر قرار دهد. به نظر می‌رسد این بحران‌های مالی در اقتصاد اغلب دولت‌ها دیده می‌شود اما دولت‌های رانتیر سهم قابل توجهی در این بحران‌ها دارند وابستگی شدید به درآمدهای ناپایدار و تغییر پذیر نفتی از عواملی است که بحران‌های مالی را برای دولت‌های رانتیری از جمله کویت برجای گذاشت.

تورم و بیکاری

در کشورهای خاورمیانه با وجود پیشرفت‌هایی که در مورد خصوصی‌سازی صورت گرفته بیشتر زمینه‌های اقتصادی هنوز تحت سلطه نهادهای متورم و مؤسسات بزرگ دولتی می‌باشد. در برخورد با مساله افزایش بیکاری بخش عمومی به طور روزافزونی به عنوان استخدام کننده نهایی باقی مانده و روز به روز هزینه نیروی انسانی و پرداخت‌های دولتی افزایش می‌یابد. دولت‌ها در این منطقه (خاورمیانه) حجم نسبتاً بزرگی دارند و همواره نیز با کسری بودجه مواجه‌اند. با این همه برخی از کشورها اصلاحات مالی را مانند اصلاحات مالیاتی و بهبود شفافیت کنترل هزینه آغاز کرده‌اند و ما شاهد مقداری پیشرفت در خصوصی‌سازی بویژه در بخش ارتباطات الکترونیکی هستیم اما با توجه به استانداردهای بین‌المللی کشورهای منطقه هنوز از نظر توسعه فضای اقتصادی و مالی مناسب برای پذیرش کار فرمایی، توسعه نیافته است (عبد: ۱۳۸۲، ۱۹). رانتیر بودن ساختار دولت در کشورهای نفت خیز تأثیر بسزایی در اقتصاد این کشورها گذاشته است. واقعیت این است که پول حاصل از فروش نفت با ارز خارجی دریافت می‌شود و حتی در صورت نیازبخش‌های مختلف به هزینه کردن پول در داخل، محدودیت‌های فراوانی در راه تبدیل به پول ملی و هزینه کردن آن در اقتصاد وجود دارد. تجربه گذشته حاکی از آنست که شتاب در هزینه کردن درآمدها به سرعت به بروز عارضه ای به نام بیماری هلندی منجر شده و تورم شدید و آسیب دیدن تولید در بخش‌های غیر از نفت در اقتصاد داخل را به همراه داشته است. بنابراین یکی از معضلات دولت‌ها صادرکننده نفت دست‌کم در دوره‌های افزایش شدید بهای نفت در بازار این است که زیرساخت‌های اقتصاد آنها امکان هزینه کردن تمام درآمدها را فراهم نمی‌کند و همین امر زمینه بکارگیری گسترده دلارهای نفتی را فراهم می‌کند (میرترابی: ۱۳۹۱، ۲۰۹). این افزایش شدید درآمدهای نفتی به زعم خود

آسیب شناسی اقتصادی و سیاسی... ۱۵۵

می‌تواند به واسطه بروز تورم و نابرابری و عوارض دیگر همچون بیماری هلندی، علاوه بر تأثیرات سیاسی با مشکلات فراوان مالی مواجه گردد (Smith: 2004, 15). جدول زیر نشان می‌دهد که چگونه افزایش شدید بهای نفت در سال ۲۰۱۴ به بروز تورم و بیکاری در کویت منجر شده است.

جدول ۵. شاخص‌های اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس

کل سرمایه گذاری	تورم	نرخ بیکاری	جمعیت	درآمد دولت	بدهی دولت	
GDP%	%	کل نیروی کار %	هر نفر	GDP%	GDP%	
۲۰۱۴	۲۰۱۴	۲۰۱۴	۲۰۱۴	۲۰۱۴	۲۰۱۴	کشورها
۴۳.۱۶	۹۰۵.۳	۰۷.۲	۸۹.۳	۴۴.۶۹	۰۰.۰	کویت
۵۱.۲۹	۷۵.۳		۹۱.۱	۶۶.۳۷	۷۴.۲۶	قطر
۲۸.۲۹	۳.۷۶	n/a	۶۳.۲۹	۶۰.۴۶	۴۱.۶۳	عربستان
۲۴.۸۵	۱.۴۸		۹.۰۳	۳۴.۳۵	-۹۳.۶۵	امارات

Source : IMF, Economic Report 2015.

جدول فوق شاخص‌های اقتصادی دولت‌های رانتیر حوزه خلیج فارس را نشان می‌دهد. یافته‌های جدول نشان می‌دهد شاخص‌های اقتصادی از جمله نرخ بیکاری و تورم مقیاس‌های بحران‌زایی در طول سال ۲۰۱۴ را تجربه کرده است. کویت در این سال در شاخص‌های مزبور به ترتیب ۰۷.۲، ۹۰۵.۳ را داشته است. بدین‌سان متکی بودن شدید به درآمدهای نفتی بحران‌های مزبور را برجای گذاشت و سبب گردید دولت کویت با این مشکلات دسته و پنجه نرم کند.

اتکاء به درآمد نفتی اقتصاد کشورهای نفت خیز توسعه نیافته و در حال رشد را دستخوش سیکل‌های تورمی و رکودی بسیار شدید می‌کند که مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عظیمی برای کشورهای مزبور بوجود می‌آورد. این امر آن‌جا ناشی می‌شود که در سودآوری و قیمت در بخش‌هایی مانند مسکن

به طور نسبی در مقایسه با بخش کشاورزی و صنایع خارج شده و به سوی بخش مسکن سرازیر می‌شود. این روند به تورم شدیدتر در بخش مسکن و رکود نسبی بخش‌های کشاورزی و صنایع داخلی منجر می‌شود (عیوضی: ۱۳۸۷، ۷۷). کارشناسان مسائل نفت و سیاست مدت‌هاست درباره تأثیر درآمدهای نفت بر افزایش استقلال عمل دولت از جامعه سخن گفته‌اند. جبل کریستال^۱ دریافته است که کشف نفت در کویت سبب شد حکومت این کشور آزادی عمل بیشتری در برابر تجار سنتی بدست آورد زیرا درآمدهای نفت، زمامداران را از مالیات دریافتی از تجار بی‌نیاز کرد که یک گروه نیرومند اجتماعی به حساب می‌آمدند. تجربه گذشته حاکی از آنست که شتاب در هزینه کردن درآمدها به سرعت به بروز عارضه‌ای به نام بیماری هلندی منجر شده و تورم شدید و آسیب دیدن تولید در بخش‌های غیر از نفت در اقتصاد داخل را به همراه داشته است. بنابراین یکی از معضلات دولت‌های صادرکننده نفت دست کم در دوره‌های افزایش شدید بهای نفت در بازار این است که زیرساخت‌های اقتصاد آنها امکان هزینه کردن تمام درآمدها را فراهم نمی‌کند و همین امر زمینه بکارگیری گسترده دلارهای نفتی را فراهم می‌کند. یکی از گرایش‌های مشاهده شده در کشورهای صادرکننده نفت بویژه در زمان افزایش نفت در بازار، تمرکز بیشتر قدرت در دستگاه اجرایی حکومت و بالاترین کشور است. به نظر می‌رسد ساختار مالی دولت در کشورهای نفت خیز که پول نفت را به طور انحصاری دریافت و با اختیارات بالا هزینه می‌کند در ایجاد این گرایش نقش مهم و برجسته‌ای دارد (به نقل از میرترابی: ۱۳۹۱: ۲۰۹). کویت یکی از کشورهای است که بیشتر از میزان تولید و قیمت نفت پایین‌تر رنج می‌برند. انتظار می‌رود که گسترش معامله اوپک منجر به انقباض بخش نفتی کویت شود که بیش از

۵۵ درصد کل صادرات کشور را تشکیل می‌دهد. کاهش در بخش هیدروکربن کشور، به شدت بر اقتصاد تاثیر می‌گذارد به گونه ای که نرخ تورم، بیکاری و بدهی در سال ۲۰۱۶ به ترتیب ۲.۳، ۲.۲ و ۱.۰ و ۶ را تجربه نموده است. اقتصاد کویت به دلیل کاهش بهای نفت پروژه‌های زیربنای آن به تأخیر افتاده است. این امر سبب شد در دسترس بودن درآمدهای نفتی بالا، خصوصی‌سازی و سایر اصلاحات ساختاری را که اقتصاد را متنوع می‌کند، به تأخیر اندازد. پس از فروپاشی قیمت نفت در سال ۲۰۱۵، کویت کسری بودجه را طی ۱۵ سال ضبط کرد. (Kuwait economie date:2017). بدین سان می‌توان چنین استنباط کرد که اقتصاد رانتی همواره به دلیل تک محصولی، وابستگی شدید به درآمدهای نفتی و به دور از تنوع اقتصادی آسیب پذیر شد. اقتصاد این کشور همواره این با بحران‌های مالی از جمله کسری بودجه، تورم، بیکاری مواجه گردید چرا اقتصاد تک محصولی و وابسته به نفت توانست اقتصاد این دولت را با چالش مواجه سازد. ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد کویت و اعتماد به این درآمد با کشف نفت مقارن شد. اگر چه درآمدهای باد آورده نفتی توانست زیر ساخت‌های اقتصادی را پشتیبانی کند و به تغذیه این اقتصاد وابسته بیفزاید اما همزمان دیده شد که نه تنها برای این کشور توسعه به معنای کلمه بوجود نیامد بلکه تکیه بر درآمدهای نفتی دولت مزبور را با بحران‌های مالی گوناگونی از جمله کسری بودجه ادواری، تورم شدید و بیکاری مواجه کرد. به نظر می‌رسد آسیب پذیری اقتصادی در تمام اقتصادها وجود دارد اما این آسیب پذیری در اقتصادهای رانتی بیشتر و حساس تر است. درآمد نفت اگرچه خون زیادی را در رگ‌های ساختارهای سیاسی این منطقه تزریق کرد اما این خون حاوی ویروس‌هایی بود که مصونیت ذاتی نظام را در مقابل عوامل تهدید کننده به شدت کاهش می‌داد. علائم بالینی ناموزون یعنی گسیختگی و نابرابری در تمام شئون اجتماعی اقتصادی و سیاسی به طور روز افزونی خود نمایی می‌کرد و در عین حال نفت باعث جذب شدید سرمایه به نفع دولت شد و به جای آنکه دولتی

را از نوع کلاسیک سرمایه‌داری برقرار کند و به نفع طبقات مسلط شکل بگیرد روند معکوس داشت و این دولت بود که می‌توانست باتکیه بر عایدات نفت به شکلهی طبقات بپردازد به نظر می‌رسد دولت‌های نفتی به دلیل تکیه بر این درآمدها و به دور از تنوع اقتصادی بحران‌های مالی مزبور جزء لاینفکی از این اقتصاد را شامل می‌شود. این به زعم خود سبب گردید از یک طرف به علت نوسانی بودن قیمت جهانی نفت و از سوی دیگر کاهش تقاضای جهانی و جایگزینی انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر بر بحران‌های فوق بیافزاید. نهایتاً می‌توان گفت اگر کویت در آینده نتواند به مدیریت درآمدهای نفتی بپردازد. با بحران‌های مالی شدیدتری در سالهای آتی روبرو می‌گردد.

آسیب شناسی سیاسی

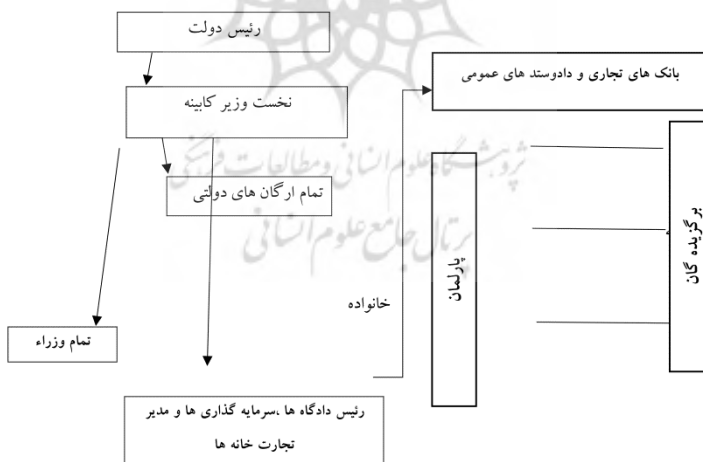
ساختار سیاسی کویت

حکومت کویت اساساً یک الیگارشسی مرکب از خانواده‌های قدیمی بازرگان است و در هر حال تمرکز قدرت در دست خاندان آل صباح قرار دارد (ایرجی فر، سنایی: ۱۳۹۲، ۱۰۳). در راس حکومت کویت، نخست وزیر قرار دارد که در کابینه به نوبه خود می‌تواند از مجلس رأی اعتماد یا عدم اعتماد بگیرد. این نخست وزیر به شکلی منصوب شده از طرف معاون و مدیران است که قادر به استفاده از نفوذ خود در حل و فصل مناقشات و درگیری‌های اجتماعی می‌باشد. براساسی قانون اساسی کویت، فعالیت احزاب سیاسی در آن ممنوع می‌باشد و بصورت مطلق العنان دولت بر آن سیطره دارد. در کویت به دلیل ساختار قبیله‌گرایی، گروه‌های سیاسی اجتماعی وابسته به قبیله قوم و خانواده خود می‌باشد تا بتوانند از این طریق به قدرت سیاسی دست یابند. به طور کلی در کویت این ساختار قبیله‌ای و قوم‌گرایی، برای ادغام سیاسی، هویت ملی و توسعه ملی مانعی جدی بوجود آورده است (Alsabah:1980). کویت، اولین

کشور عربی خلیج فارس برای ایجاد یک مجلس انتخاباتی، یک سلطنت قانون اساسی است که توسط سلسله الصباء حکومت می‌شود. پس از اینکه اسلامگرایان در انتخابات مجلس در ماه فوریه ۲۰۱۲ دستاوردهای عمده‌ای کسب کردند، امیر صباح احمد الجابر الصباح نتایج را لغو کرد و قوانین انتخابات را تغییر داد. این باعث اعتراضات و تحریم انتخابات بعدی شد که نتایج آن توسط دادگاه قانون اساسی لغو شد. در ماه ژوئیه ۲۰۱۳، نامزدهای سنی طرفدار دولت اکثریت قابل توجهی کسب کردند (Kuwait economie (date:2017).

شکل زیر نشان می‌دهد روابط قدرت سیاسی در کویت چگونه ممکن است سبب تغییرات مورد استفاده برای درگیری‌های قدرت داخلی شود. حل و فصل این درگیری‌ها نمی‌تواند به طور رضایت بخشی در مجلس حل و فصل شود. این ساختار دولت ممکن است به مشکلاتی در مقیاس ملی منجر شود.

شکل ۶. روابط قدرت در کویت



(Torki :2011,5) bani

کویته‌ها نمی‌توانند دولت خود را به یک دولت دموکراتیک تغییر دهند. با توجه به قانون اساسی در این کشور امیر دارای قدرت اجرایی و موروثی است که می‌تواند حکومت نظامی را اعلام و به انحلال دو مجلس اقدام کند. در کویت برگزاری انتخابات در آن قانونی است و در آن یک سیستم شبه دموکراسی وجود دارد اما فعالیت احزاب سیاسی در آن ممنوع می‌باشد (freedom house:2017,8) کویت تنها کشوری است در میان کشورهای حوزه خلیج فارس که مجلس آن با انتخابات آزاد و با داشتن قدرت قانونگذاری تشکیل می‌شود. ولی در نهایت خاندان سلطنتی کویت در سیستم سیاسی این کشور حرف خود را به کرسی می‌نشانند. به عنوان مثال امیر کویت دوبار پارلمان این کشور را منحل کرده و درخواست ایجاد اصلاحات و تغییرات در قانون اساسی این کشور را مسکوت باقی گذاشته است (شیرودی: ۱۳۸۶: ۵) که حاکی از استیلا بی‌حد و حساب امیر و خاندان صباح برجریان امورات. به نحوی که دیگر نهادها و موسسات جامعه در یک واحد سمبلیک و بدون اقتدار جلوه می‌کنند. کارکرد نظام سیاسی کویت منطبق بر کارکردهای یک رژیم اقتدارگرای^۱ دیوانسالار است (همدانی: ۱۳۸۰، ۱۶۷).

کویت در میان کشورهای حوزه خلیج فارس به‌طور خاص و در میان جهان عرب به‌طور عام در جهت توسعه دموکراسی و دموکراتیک کردن کشور تلاش کرده است و این کشور نسبت به انتخابات ادواری و آزاد در این کشور برگزار شد. نظام سیاسی کویت انعطاف‌پذیری به جای اپوزیسیون را به روند سیاسی ترجیح داده است. این اقدام کویت در روند سیاسی به دور از روش‌های سرکوب و طرد غالب است که در دیگر کشورهای عربی وجود دارد. با وجود سیستم تکاملی و تجربه دموکراتیک در این کشور، نقش امیر همچنان ضروری

۱. Authoritarian

باقی مانده است و در فعالیت‌های اقتصادی هنوز هم اختیاراتی گسترده و کلیدی در دولت ایفا می‌کند (Torki bani, 2011:5). با این وجود کویت در مقایسه با کشورهای عرب همسایه خود دموکرات‌تر است و از نظر درجه‌بندی شاخص‌های دموکراسی در رتبه بالاتری قرار دارد اما این شرایط پاسخگوی مطالبات مردمی نیست که از نظر سطح آگاهی و رشد سیاسی و علمی نسبت به همسایگان خود بالاتر هستند. هرچند زنان از سال ۲۰۰۵ به بعد دارای حق مشارکت و کاندید شدن را گرفتند و مطبوعات در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه از وضعیت بهتری برخوردارند و علی‌رغم اینکه در این کشور انتخابات و پارلمان واژه‌هایی غریب نیستند اما ساختار نظام حکومتی آن مانند دیگر کشورهای عرب اقتدارگرا و دیکتاتورمآبانه است. هنوز در این کشور بخش زیادی از قدرت و ثروت در انحصار عده بسیار کمی از خاندان حاکم است و این حاکمان به صورت انحصاری بر منابع دولتی کنترل دارند. هنوز احزاب در این کشور از پشتوانه قانونی برای فعالیت سیاسی محرومند و جامعه مدنی تنها می‌تواند زیر پوشش مسائل مذهبی و اجتماعی به فعالیت بپردازد (محمودی، نورایی، ۱۳۹۳: ۸).

جدول ۷. شاخص دموکراسی در برخی از کشورهای جهان

کشور	خانه آزادی	پی آر	نمره شاخص
استرالیا	آزاد	۱	۱
ایتالیا	آزاد	۱	۱
کویت	تاحدودی آزاد	۵	۵
قطر	غیر آزاد	۶	۶
عربستان سعودی	غیر آزاد	۷	۷

(Source: www. freedom house. 2015)

جدول فوق میزان دموکراتیک بودن کشورها را نشان می‌دهد. در این جدول

میزان این درجه بندی بین عدد ۱ تا ۶ را در نظر گرفته شده است که در آن عدد ۷ به کمترین میزان دموکراتیک بودن و عدد ۱ کمترین میزان دموکراتیک بودن را دربر می‌گیرد. به عبارت دیگر عدد ۱ دموکراتیک‌ترین و عدد ۷ غیر دموکراتیک‌ترین کشور می‌باشد. بنابراین استدلال کشور کویت با عدد ۵ نشان داده شده که نشان از محدود بودن یا به عبارتی تا حدودی دموکراتیک بودن این کشور را شامل می‌شود و در طیف کشورهای اقتدارگرا و غیر دموکراتیک قرار می‌گیرد.

آسیب‌های سیاسی اقتصاد نفت

بی‌ثباتی سیاسی

از بین تمام کشورهای عربی کویت تنها کشوری است که به علت برخورداری از وجود سازمانهای دموکراتیک به هر شخص مسئول و هر شهروند خود این امکان را داده است که عقیده خود را درباره مسائل نفتی ابراز دارد. کویت همچنین یکی از کشورهای عربی است که در آن مسائل نفتی از مدت‌ها قبل موقعیتی را که باید داشته باشد پیدا کرده است یعنی در مرکز مسائل سیاسی واقع گردید و آثار آن نیز این بوده است که برای اقتصاد و به طور کلی منافع آینده این کشور مفید بوده و در قراردادهای بین‌المللی این کشور مؤثر بوده است (سرکیس، ۱۳۳۶: ۴۸). دولت کویت تا قبل از پیدایش نفت و درآمدهای سرشار نفتی، با ایجاد دستگاه‌های مختلف دولتی بسیار فربه شده و در تمام حوزه‌ها به مثابه یک کارفرما عمل می‌کرد. بدین‌سان شهروندان عموماً از دولت منتفع می‌شدند. پیدایش نفت سبب شد تا بازرگانان که در طی تاریخ خواسته‌های خود را به حکمرانان تحمیل می‌کردند رفته رفته از صحنه سیاسی کنار بروند و بنابر توافقی تلویحی بین حکام و بازرگانان آنها ثروت را با قدرت رسمی مبادله کنند. تجار نیز در مورد ادعای خود در مورد دخالت در سیاست

چشم پوشیده و از تمام حقوق تاریخی خود مبنی بر مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی چشم‌پوشی کنند. در مقابل حکام نیز تضمین کردند که سهم قابل توجهی از درآمدهای نفتی را به آنها واگذار کنند. این نخبگان اقتصادی روزگاری به منظور حفظ منافع اقتصادی خویش قدم به عرصه سیاسی نهاده بودند. پس از ظهور نفت دقیقاً به خاطر حفظ همان منافع تصمیم به ترک آن گرفتند در نتیجه آنها نه تنها علاقه‌ای به نابودی دولت ندارند بلکه در تقویت نقش دولت نیز می‌کوشند (محقق، ۱۳۸۹: ۲۰۲). راس^۱ معتقد است که نفت آثار مخربی بر روند دموکراتیک برجای می‌گذارد. (به نقل از میرترابی: ۱۳۹۰، ۱۴۲) لوسیانی نیز در خصوص ماهیت غیردموکراتیک رژیم‌های رانتیر می‌نویسد: دولتی که به درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی از جمله نفت متکی است ممکن است مبارزه قدرت و جناح‌بندی را تجربه کرده باشد ولی بعید است تقاضا و خواسته‌هایی در حمایت از دموکراسی پذیرا باشد (لوسیانی، ۱۳۷۴: ۲۴۹). در این کشور رهبری در دست یک خاندان و مشارکت سیاسی ضعیف است و به دلیل اینکه تنها منابع دولت درآمدهای نفتی است آل صباح به طور مطلق‌العنان بر منابع اقتصادی و سیاسی کویت تسلط دارند. بر همین اساس تداوم منافع و دوام حکومت حاضر به اعطای امتیازات بسیار محدودی به ملت خود هستند و هرگونه اقدامی که تعارض با مولفه‌های مزبور قرارگیرد از طرف حاکمان و سیاستمدان مورد سرکوب قرار می‌گیرد. آغاز صادرات نفت کویت در دهه ۱۹۴۰ میلادی اثرات اقتصادی مهمی در این کشور بر جای گذاشت. درآمدهای ناشی از نفت وابستگی مالی آل صباح به بازرگانان از طریق مالیات‌ها و تعرفه‌های گمرکی را کاملاً از بین برد و حتی جهت معکوس به آن داد. به طوری که بازرگانان و امدار حاکم شدند. از سوی دیگر سیاست‌های

توزیعی درآمدهای نفتی عامه مردم اعم از کوییتی و غیرکوییتی را منتفع ساخت. اقشار مردم بواسطه کمک‌های مالی و اشتغال زایی دولت دیگر نیازی به دریافت رزق و روزی خود از بازرگانان نداشتند و در واقع به طور مستقیم به دولت و آل صباح وابسته شده بودند. صادرات نفت و در گذشت شیخ احمد و به حکومت رسیدن شیخ عبدالله سالم، شرایطی را پدید آورد که طی دهه‌های چهل و پنجاه میلادی قرن گذشته کمتر سخنی از تشکیل دوباره مجلس ملی به میان آمد. وضعیت مناسب اقتصادی و رفاه عمومی و وفور کالا و خدمات اروپایی، مخصوصاً انگلیس مانع از بروز هر گونه اعتراضی می‌شد (همدانی، ۱۳۸۰: ۱۶۹).

جدول ۸. عملکرد حکومت قطراز ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ (۵.۲- کمترین، ۵.۲. بیشترین)

۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	
-۶۹.۰	-۶۶.۰	-۶۶.۰	-۶۶.۰	-۶۴.۰	-۵۶.۰	پاسخگویی حکومت
-۱۵.۰	-۲۱.۰	۱۵.۰	۱۷.۰	۲۰.۰	۳۱.۰	ثبات سیاسی
-۱۸.۰	-۰۳.۰	-۱۵.۰	-۰۷.۰	-۰۷.۰	۰۲.۰	کارایی حکومت
-۰۷.۰	-۱۷.۰	-۰۱۵.۰	-۰۷.۰	-۰۴.۰	۰۸.۰	کیفیت نظم بخشی
۰۳.۰	۰۰.۰	۰۲.۰	۳۷.۰	۳۷.۰	۵۵.۰	حکومت قانون

www.govindicators.org, The Worldwide Governance Indicators, 2017

شکل فوق نشان می‌دهد حکومت کویت از لحاظ سیاسی، بی ثبات سیاسی را تجربه کرده است. این طیف از کشورها به دلیل آلوده بودن سیستم سیاسی آنها با رانت، عملاً خود را پاسخگوی جامعه نمی‌داند. در تمام جنبه‌های سیاسی از جمله پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارایی حکومت و حکومت قانون نشان از وجود حکومتی اقتدارگرا و بی ثبات دارد. هرچند که دموکراسی و حاکمیت قانون هرکشوری در یک بسترتاریخی شکل می‌گیرد و کویت قبل از کشف نفت نیز دارای سیستم سیاسی بسته و اقتدارگرایی بود و پس از کشف نفت و ورود درآمدهای نفتی اولاً به دلیل وابستگی به این درآمدها سیاست‌های حاکمان

در جهت منافع نخبگان حکومتی قرار گرفت. ثانیاً به زعم خود از پاسخگویی به جامعه امتناع ورزیدند و به تدریج زمینه یک دولت اقتدارگرای بی ثبات فراهم شد و در نهایت با این سیاست‌های غیردموکراتیک خود نظام سیاسی را به سمت دولتی بی ثبات سوق دادند.

یافته‌ها حاکی از آنست که احتمال ظهور رژیم دموکراتیک با افزایش درآمد سرانه بالا کم باشد. مجموعه‌ای از رژیم‌های بسیار ثروتمند اما اقتدارگرا دیده می‌شود که بیشتر در کشورهای صادرکننده نفت هستند. لاری دایموند^۱ بطور مشابه چنین می‌نویسد: واقعیت عجیبی در مورد بیست و سه کشوری که اقتصادشان توسط فروش نفت می‌چرخد وجود دارد هیچ کدام دموکراتیک نیستند. نفت خاصیت ضد دموکراتیک دارد و برای دولت‌های صادرکننده از رانت‌های بدست آورده از نفت، برای گسترش قدرت استفاده می‌کنند. در این کشورها هرچند درآمد سرشار است اما ارزش افزوده‌ای برای انباشت سرمایه ذخیره نمی‌شود و در جهت خرید و انبارسازی تسلیحات، گسترش سازمان‌های اطلاعاتی و پلیسی و صرف هزینه‌های رفاهی اجتماعی و مظاهر پیشرفت اقتصادی بدون ساختاربخشی به تحولات اجتماعی در جهت توسعه می‌انجامد تا مردم را غیرسیاسی و به پول دولت وابسته نگه دارد. عدم شفافیت، عدم پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری باعث بی‌اطلاعی و حیف و میل منابعی می‌شود که به جای تعلق به مردم در دست دولت قرار گرفته است. در کشورهای صادرکننده نفت سیاست بر اقتصاد مقدم است زیرا مشکل این کشورها نبود صنعت یا منابع اقتصادی نیست بلکه ائتلاف ثروت و منابع، مردم این کشورها را به عدم توسعه انسانی سوق می‌دهد (موثقی، غنی فرد: ۱۳۹۱، ۲۴۲). دولت کویت به عنوان نماینده کشور تمام منابع اقتصادی عمده کشور را در کنترل خود دارد و

از سال ۱۹۷۵ دولت ۱۰۰ درصد صنعت نفت یعنی مهمترین منبع درآمد کویت را در اختیار داشته است. در سال ۱۹۷۵ تحت فشار پارلمان دولت صنعت نفت را که مرکب از چهار شرکت عمده بود ملی اعلام کرد. از آن زمان ذخیره عظیم نفتی تحت نفوذ مستقیم سیاسی و بروکراتیک دولت، دستخوش سیاسی کاری است. در نتیجه این امر بر قدرت دولت تا حدی افزوده شد که هیچ بازیگر اجتماعی - اقتصادی دیگری توان مقابله با آن را نداشت. ریشه مشارکت سیاسی در کویت به زمان استقرار آن به عنوان یک جامعه در بیش از دو قرن گذشته برمی گردد. توافق اصلی میان خانواده‌های مهاجر داشتن حاکمی بود که در مورد مسائل مهم با مردم مشورت کند و این در صورتی است که مردم از وی حمایت مالی نمایند. این شیوه با امکان استقلال مالی حاکم در پی اکتشاف نفت و علاقه بسیاری که از طرف ابرقدرت‌های خارجی نشان داده شد تضعیف گردید. کویتی‌ها که بیش از دو قرن گذشته در این منطقه سکونت داشتند صباح اول بنیانگذار خاندان حاکم فعلی را به عنوان فرمانروای خود برگزیدند. آنها پذیرفتند که او امور روزانه را اداره کند و در مقابل از وی حمایت مالی نماید و شرط ایشان مشورت حاکم با آنها در تصمیمات مهم بود. این فرمول سیاسی سبب ایجاد استقلال کامل بین رئیس و رئیس شد به حق می‌توان آن را به عنوان حکمرانی مشترک توصیف نمود (انتظاری: ۱۳۷۹، ۱۱۸۵-۱۲۰۲) از دیدگاه عبدالکریم الدخیل دولت کویت از مشروعیت کارکردی برخوردار است یعنی حکومت با اتکا به هزینه‌های نفت خدمات پنهان و پیدایی را انجام می‌دهد که منجر به تعویق مطالبات دموکراتیک می‌شود. در سال ۲۰۱۱ در پی رونق موج تغییر در کشورهای عربی خاورمیانه امیر کویت به بهانه پنجاهمین سال استقلال کویت اعلام کرد که به هر شهروند کویتی یک هزار دلار هدیه و یک سال غذای رایگان با کیفیت عالی می‌دهد. علاوه بر این مجموعه‌ای از خدمات تسهیلاتی در حوزه‌های درمان، آموزش، تجارت و اعطای وام و بیمه به شهروندان کویتی فراهم شده است که همگی به یمن عایدات نفت است.

عایداتی که بخش اعظم آن نصیب هواداران وضع موجود می‌شود. حکومت با تزریق منابع‌ها و نیز با تهیه فرصت‌های اجتماعی برای حامیان، مخالفان خود را به لحاظ اجتماعی-طبقاتی خلع سلاح می‌کند. به عبارت دیگر به محض اعتراض مخالفان حکومت حامیان و هواداران نیز قیام می‌کنند و به جای آنکه معترضین درقبال حکومت صف آرایی کنند دو قشر یا دو طیف از جامعه در مقابل هم قرار می‌گیرند. مهمترین عنصر در پدیدآوری طبقه حامی، رانت حاصل از نفت است که بطور مستقیم و بی‌حساب در اختیار دولت قرار می‌گیرد. (شریفی، ۱۳۹۰: ۴۱).

اقتدارگرایی

تمایل نخبگان برای کنترل توزیع رانت می‌تواند به افزایش انگیزه‌هایی برای کنترل دائمی دولت بیانجامد که بتواند از این کار تضمین دسترسی به این درآمدها و اجاره را داشته باشد. همچنین نخبگان در رژیم‌های اقتدارگرا ممکن است حاضر به پرداخت هزینه بالای سرکوب علیه قدرت کنند تا بتوانند به کنترل منابع رانت در آینده دست یابند. راس با ارائه شواهدی آماری نشان می‌دهد یک رابطه منفی و معنی داری میان رانت منابع و دموکراسی وجود دارد و می‌گوید که نفت و دیگر مواد معدنی به استبداد می‌گراید و نخبگان اقتدارگرای سرکوبگر برای جلوگیری از رشد دموکراسی گرایش پیدا می‌کنند که ثروت منابع می‌تواند مکانیسمی برای این اقدام باشد (Ross: 2001-2,5). بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ بیست و چهار کشور را با درآمد بالا طبقه بندی کرد و با درآمد سرانه با ردیف ۶۰۱۰ دلار (اسپانیا) تا ۲۱۳۳۰ دلار (سوئیس) قرارگرفت. از میان این کشورها سه کشور (عربستان سعودی، کویت و امارات متحده) از کشورهای صادرکننده نفت و غیر دموکراتیک بودند و شمار بیشتر کشورهایی که در دهه ۱۹۹۰ شرایط اقتصادی مساعد برای دموکراسی شدن پیدا کردند و از خاورمیانه و شمال آفریقا پدید آوردند. بهبود وضع اقتصادی و رفاه

بسیاری از این کشورها با صادرات نفت مربوط می‌شد. اقتصاد جوامع خاورمیانه به نقطه‌ای رسیده است که با توجه به نظام‌های حکمرانی اقتدارگرایانه مبتنی بر سنت‌های مختلف نظامی و تک حزبی بسیار ثروتمند، پیچیده شده است. (هانتینگتون: ۱۳۷۳، ۳۴۲).

جدول ۱۰. شاخص اقتصادی و سیاسی کشورهای جهان بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶

کشور	شاخص سیاسی و دموکراسی	شاخص دموکراسی	درآمد سرانه	رشد درآمد سرانه	صادرات سوخت (%)
کویت	-۰/۷۹	-۰۰۷	۹/۸۱	۰/۸۸	۳۹/۳
نروژ	۱/۵۶	۱۰/۰۰	۱۰/۴۲	۲/۲۳	۱۷/۸۶
قطر	-۰/۶۳	-۱۰/۰۰	۹/۶۲	۳/۷۱	۵۰/۰۶

www.Worldbank.com

از آنجا که قدرت انحصاری و فروش و صادرات منابع طبیعی بویژه نفت و گاز در اختیار کشورهای رانتیر می‌باشد منطقی به نظر می‌رسد گونه‌ای از اقتدارگرایی و تک صدایی در این کشورها بروز کند که گوناگونی گروه‌های فکری نه تنها وضع موجود را بهتر نکند بلکه با آماده‌سازی بسترهای تبعیض گروهی و نژادی، جلوگیری از استفاده کارآمد از سرمایه‌های انسانی، فکری، سیاسی - اجتماعی و نفوذ نخبگان در حوزه سیاست‌های اقتصادی به سود گروه‌های صاحب قدرت و همچنین خویشتاوندی سالاری در شغل‌های کلیدی و حساس در بدنه دولتها توسعه نهادی رابه شدت محدود و سرکوب نماید (پورجوان، و دیگران: ۱۳۹۳، ۱۶). انحصار نفت در دست آل‌صباح خاندان حاکم را بی نیاز از مردم کرده است و تا زمانی که تهدیدهای خارجی وجود نداشته باشد دولت تمایلی به اعطای مشارکت سیاسی به ملت ندارد. (همدانی: ۱۳۸۰، ۱۸۴) خودکامگی پدرسالارانه یا (اقتدارگرایی پاتریمونیکال) شامل کویت و برخی از دولت‌های کوچک خلیج فارس می‌شود. دولت در ابتدا

مشروعیت خود را از طریق اقتدار سنتی و مذهبی می‌گیرند اما در روند نوسازی، نفت محور متصل به بسیج ثروت نفت برای سراپا نگه داشتن سطح زندگی عمومی می‌شود. چنین دولت‌هایی نمی‌توانند برای مدتی طولانی پایدار بمانند. (Eifert, 2002:289). بدین‌سان می‌توان گفت دولت‌های نفتی حوزه خلیج فارس وابستگی بسیار زیادی به درآمد حاصل از صادرات انرژی دارند چرا که نهادهای سیاسی اقتصادی آنها را دچار انحراف کرده، ثروت ملی را در دستان دولت متمرکز می‌کند و در نهایت اینکه انعطاف‌پذیری رهبران کشور را در مقابل تغییرات کمتر می‌نماید. علاوه بر این با قرارداد منابع کافی در دسترس آنها توانایی سرکوب هرگونه اقدامات ضروری را تا مدت زمانی در اختیار دارند. بنابراین این خطر جدی است که این تولیدکنندگان عمده انرژی در طول بیست ساله ابتدای قرن بیست و یکم ممکن است دچار بحران شوند. (تی مکر، ۱۳۸۹: ۳۸) شایان ذکر است خاندان‌های حاکم در کشورهای حوزه خلیج فارس بر پایه مبانی مشروعیت سنتی مانند سنت‌های قبیله‌ای جهان عرب، توجیه مذهبی مشروعیت و حقانیت حاکمان از سوی علمای مذهبی و نیز تکیه بر نوعی دولت رفاهی مبتنی بر اقتصاد رانتی و رانتیر توانسته‌اند در نخستین دهه قرن بیست و یکم یکی از بارزترین اشکال حکومت‌های پیشامدرن را حفظ کنند. از آنجا که مشروعیت به عنوان حلقه واسطه تبدیل قدرت به اقتدار تلقی می‌شود می‌توان گفت با تضعیف پایه‌های مشروعیت کشور کویت بی‌ثباتی سیاسی یکی از مهمترین نتایج پیش رو خواهد بود. لذا می‌توان گفت به طور نسبی کویت به دلیل ساخت سنتی و پاتریمونیال هیأت‌های حاکم بر این کشور، این پدیده در حوزه سیاسی بیشتر از آنکه فرصت انگاشته شود به دیده تهدید نگریسته می‌شود (ایرجی فر، سنایی: ۱۳۹۲، ۹۸). اما به نظرمی رسد که این روند نمی‌تواند به صورت طولانی تداوم پیدا کند. بدین معنا دولت کویت با مشکلات فراوانی در حوزه سیاسی روبروست. درست است که این کشور برای تقویت پایه‌های سیاسی خود به حمایت سیاست‌هایی مالی از جمله اعطای یارانه، اعطای پول نفت

به مردم، عدم اخذ مالیات از طبقات و غیره را اجرا کرده است تا بتواند با این سیاست‌ها دموکراسی و مشارکت سیاسی را سرکوب و یا به تعویق بیناندازد و سیاست‌های اقتصادی نفت به صورت طولانی به سراپا نگه داشتن این حکومت کمک شایانی نمود اما این سیاست‌ها دیگر نمی‌تواند حامیان و پایگاه‌های اجتماعی و سیاسی را حمایت کند. می‌توان گفت در سال‌های آتی با کاهش قیمت نفت بحران‌های مالی فراگیری تری دامنگیر این دولت می‌شود. بطوریکه با ظهور بحران‌های مالی این بحران‌ها به تدریج به لایه‌های سیاسی نفوذ کرده و با کاهش مشروعیت سیاسی، کویت می‌تواند به بی‌ثباتی در ساختار سیاسی مواجه گردد.

نتیجه‌گیری

دستاورد مقاله نشان داد که اقتصاد کویت به شدت تحت تأثیر اقتصاد نفت قرار گرفته است و این اقتصاد به دلیل اتکای مفرط به درآمدهای حاصل از نفت موجب آسیب‌پذیری در جوانب اقتصادی و سیاسی گشته است. از جنبه اقتصادی می‌توان گفت کویت هم مانند دیگر کشورهای رانتیر وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی دارد و بیش‌ترین درآمد آن را عایدات نفت در بر می‌گیرد. کویت پیش از کشف نفت، دولت از یک سو از طریق بازرگانان و روابطی که با آنها داشت به مالیات‌گیری از آنها می‌پرداخت و از سوی دیگر تجارت آن کشور از طریق صید مروارید بود. اما با کشف نفت تمام فرماسیون‌های اقتصادی آن تحت تأثیر این درآمدها قرار گرفت و سبب شد که کویت دولتی وابسته به این درآمدها شود و به تدریج اقتصادش به این درآمدها اعتماد پیدا کند. کاهش بهای نفت، افزایش هزینه‌های عمومی و کسری بودجه مستمر دولت کویت را ناچار کرد تا در پی ساختار اقتصادی و تغییرالگوی نظام اقتصاد واقع‌گرا برود همچنین به دلیل اقتصاد تک محصولی تمام بخش‌های اقتصادی تحت تأثیر این درآمدها قرار گرفت تا جایی که بیشترین بخش این اقتصاد در این حوزه است.

تجربه گذشته حاکی از آنست که شتاب در هزینه کردن درآمدها به سرعت به بروز عارضه‌ای به نام بیماری هلندی منجر شده و تورم شدید و آسیب دیدن تولید در بخش‌های غیر از نفت در اقتصاد داخل را به همراه داشته است. بنابراین یکی از معضلات دولت‌های صادرکننده نفت دست کم در دوره‌های افزایش شدید بهای نفت در بازار این است که زیرساخت‌های اقتصاد آنها امکان هزینه کردن تمام درآمدها را فراهم نمی‌کند و همین امر زمینه بکارگیری گسترده دلارهای نفتی را فراهم می‌کند. یکی از گرایش‌های مشاهده شده در کشورهای صادرکننده نفت بویژه در زمان افزایش نفت در بازار، تمرکز بیشتر قدرت در دستگاه اجرایی حکومت و بالاترین کشور است. به نظر می‌رسد ساختار مالی دولت در کشورهای نفت خیز که پول نفت را به طور انحصاری دریافت و با اختیارات بالا هزینه می‌کند در ایجاد این گرایش نقش مهم و برجسته‌ای دارد. دولت کویت به پشتوانه درآمدهای نفتی توانست به یک اقتصاد تک محصولی تبدیل شود و دیگر عرصه‌های اقتصادی از جمله صنعت و کشاورزی وابسته و ضعیف شود. یکی از پیامدهایی که به این اقتصاد عاید می‌شود افزایش قدرت دولت است. در دراز مدت نفت وابستگی‌های بین‌المللی جدیدی را نیز ایجاد کرد و این کشور به تدریج برای کسب سرمایه، نیروی کار و کالا وابستگی بیشتری پیدا کرد که این پیامدها در کوتاه مدت قابل رؤیت نیست. پیامدهای آنی درآمدهای نفتی، نابودی پایه اقتصادی حکومت و خانواده بازرگان را به یکدیگر پیوند می‌داد و ظهور صف آرای بی ثبات و تازه‌ای بود که بازرگانان را بوجود آورده بود و در جو تازه‌ای که از وفور نشان داشت دوام نیافت. پیامد دیگر درآمدهای نفتی این بود که به محض آنکه نفت اقتصاد کشور را قبضه کرد وجه مشترک بازرگانان را که از روند تولید سرچشمه می‌گرفت و سبب اتحادشان می‌شد را از میان برداشت. در نهایت می‌توان گفت دولت کویت از یکسو به دلیل نوسانی بودن قیمت نفت و از سوی دیگر با کاهش شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی با مشکلات فراوانی روبروست. بدین معنا

با کاهش جهانی قیمت نفت دولت مزبور با کسری بودجه و تورم مواجه شده و دولت وارد عرصه بحران‌های اقتصاد می‌کند.

در جنبه سیاسی هم این کشور نسبت به دیگر کشورهای همجوار خود تا حدودی دموکراتیک‌تر است و داده‌های سایت خانه آزادی گویای این ادعاست. در زمینه مشارکت سیاسی و آگاهی سیاسی نسبت به کشورهای حوزه خلیج فارس و دولت‌های رانتیر از نوع خود وضعیت دموکراتیک‌تری دارد اما با این حال این کشور راه درازی را برای رسیدن به یک جامعه دموکراتیک در پیش دارد بدین معنا در کویت خاندان آل صباح بر دولت و دیگر نهادها تسلط کامل دارند و فرهنگ سیاسی دیکتاتور منشانه هنوز پابرجاست. با این حال دولت‌مردان آل صباح به دنبال تداوم و تثبیت قدرت خود هستند و سمت‌های مهم سیاسی را قبضه کرده و با سیاست‌های محافظه کارانه خود سعی در تداوم این مناسباتند. در عرصه سیاسی سیاستمداران کویت برای اینکه بتوانند راه اصلاحات سیاسی را ببندد به خرید سیاسی و گسترش رفاه اجتماعی روی آورده‌اند. در کشورهای که ساختار دولت رانتی می‌باشد دیوان سالاری در جهت منافع دولت رانت عمل می‌کند نه در جهت منافع همگان. بدین سان دولت در زندگی مردم نفوذ پیدا می‌کند و با ایجاد حاکمیت و سلطه اقتصادی توانایی سلطه سیاسی خود را بر گروه زیادی که جذب بروکراسی در حال گسترش شده‌اند را افزایش می‌دهد. دولت کویت با تکیه و پشتوانه درآمدهای نفتی توانست خود را از جامعه مبرا بداند و پاسخگوی جامعه نباشد. در این کشور نفت به عنوان زیرساخت نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مطرح است. از آنجا که نفت در جهت یک اقتصاد شکوفای ملی و برپایه اراده مردمی استوار نیست نه تنها در خدمت توده مردم نیست نبوده بلکه به پشتوانه دلارهای نفتی نظم و ساختارهای اجتماعی گذشته فروپاشیده، فاصله طبقاتی افزایش یافته و قشری نه وابسته به جامعه بلکه وابسته با الیت قدرت است. دولت مردان در این کشور با خرید سیاسی و رفاه اقتصادی افراد جامعه در صدد به تعویق انداختن مطالبات دموکراسی خواهانه هستند تا با

این اقدامات بتوانند همچنان در قدرت باقی بمانند. به طور کلی حکومت‌های عرب از درون و بیرون با چالش دموکراسی روبرو بوده‌اند آنها به نحو فوق‌العاده‌ای در قبال مسائلی چون استاندارد زندگی، سطح حقوق، نحوه برخورد با زنان، پذیراشدن و پاسخگویی به تغییرات سریع جهان و سایر حوزه‌ها فاصله زیادی دارند. اما در هنگام رویارویی با فشارهای داخلی و خارجی در راستای مطالعه دموکراسی به روش‌هایی چون سرکوب، تغییر شکل و تظاهر به اصلاحات، زندانی کردن آزادی خواهان، نامشروع خواندن مخالفان و تقویت احیای ایدئولوژی ملی‌گرایی روی می‌آورند. اگرچه کویت اقداماتی نسبتاً ضعیف از جمله حق رای به زنان و انتخابات را به رسمیت شناخته است اما این اقدامات پاسخگویی مطالبات دموکراسی خواهانه مردم نیست. هر چند در روندهای دموکراسی هم گام‌هایی برداشته شد اما چندان مورد مطلوب جامعه نیست و نیاز به اصلاحات بنیادینی در ساختارهای سیاسی این دولت احساس می‌شود. یکی از راه کارهایی که دولت رائتیر در پیش می‌گیرد توزیع بخشی از ثروت است که توسط دولت مهیا گردیده است تا بتواند نخبگان خارج از مدار قدرت را تطمیع و توده‌ها را به نفع رویکردهای دولتی بسیج کند. دولت کویت به دلیل کاهش تقاضای جهانی نفت از یکسو و جایگزین شدن انرژی‌های تجدیدپذیر از سوی دیگر می‌تواند دولت را با مشکلات فراوانی مواجه سازد. بدین معنا با کاهش قیمت جهانی نفت و تقاضای آن دیگر نمی‌توان به توزیع رانت به طبقات و افراد ذی‌نفوذ خود بپردازد و بحران‌های اقتصادی همچون تورم، کسری بودجه و بیکاری سبب اعتراض طبقات شده و می‌توان به بی‌ثباتی سیاسی دامن بزند. بدین‌سان می‌توان گفت این کشور دیگر نمی‌تواند راه اصلاحات و خواسته‌های جامعه را سلب کند زیرا جوامع در عصر ارتباطات و جهانی‌شدن اجازه تداوم چنین سیاست‌هایی را نمی‌دهد و جامعه با افزایش سطح آگاهی سیاسی ورشد طبقه متوسط تحصیل کرده روبروست. این طبقه خواهان اصلاحات سیاسی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی می‌باشد و



انسداد چنین خواسته‌هایی از سوی حکومت می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی دامن بزند. می‌توان گفت انقلابات مردمی در کشورهای عربی نشان داد که پشتوانه درآمدهای نفتی دیگر کار ساز و راه کار قابل اطمینانی برای حاکمان نخواهد بود و با گسترش اعتراضات مردم، تخت‌های این پادشاهی زیر و رو خواهد شد.

منابع

الف) فارسی

اصغری ثانی، حسین، رنج کش، محمد جواد (۱۳۹۳) نقش عوامل نرم افزاری در تحول منزلت ملی قطر (۲۰۱۱-۱۹۹۵) دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال چهارم، شماره دهم.

ایرجی فرو، طاهره، سنایی، اردشیر، (۱۳۹۲)، تأثیر جهانی شدن ارتباطات بر ساختار سیاسی - فرهنگی کویت، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال پنجم، شماره ۲۰۰.

انتظاری، حسین، (۱۳۷۹)، «چالش‌های فراروی دموکراسی در کویت»، مرکز مطالعات خلیج فارس و خاورمیانه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تحلیل‌ها و گزارش‌ها، سال چهاردهم، شماره ۴.

پورجوان، عبدالله، شاه آبادی، ابوالفضل، قربان نژاد، مجتبی، امیری، حسین، (۱۳۹۳) تأثیر وفور منابع طبیعی بر عملکرد حکمرانی کشورهای برگزیده نفتی و توسعه:

رویگرد پانل (gmm)، فصلنامه تحقیقات جداسازی اقتصادی، شماره ۱۶. تیشه یار، ماندانا (۱۳۸۴)، مجموعه گزارش انرژی، کویت، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

تی مکر، مایکل (۱۳۸۹)، نفت و خون، ترجمه وحید موسوی، نشر ساقی. رودباری، لوا (۱۳۷۵)، کویت کتاب سبز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.

سرکیس، نیکلا (۱۳۳۶) نفت تنها و آخرین شانس خاورمیانه، ترجمه دکتر ارسلان ثابت سعیدی، انتشارات امیر کبیر.

آسیب شناسی اقتصادی و سیاسی... ۱۷۵

شریفی نداف (۱۳۹۰) قابلیت‌ها و کاستی‌های نظریه «دولت رانتیر» در تحلیل و عملکرد نفت، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل شناسی، سال دوازدهم، شماره ۳.

شیرودی، مرتضی (۱۳۸۶) همگرایی و بحران‌های وحدت آفرین در روابط متقابل کشورهای حوزه خلیج فارس، اندیشه تقریب، سال سوم، شماره دهم. شکیبایی، علیرضا، افلاطونی، عباس، نیکبخت، لیلی (۱۳۸۷) بررسی رابطه بلند مدت بین نرخ ارز و قیمت‌های نفت در کشورهای عضو اپک، مجله دانش و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۲۵.

عبد، ت، جورج، (۱۳۸۲)، ترجمه مهدی تقوا. عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۷)، نفت و موانع توسعه یافتگی، مجله راهبرد یاس؛ شماره ۱۳.

کریستال، جبل (۱۳۷۸)، نفت و سیاست در خلیج فارس، حکومت گران و بازرگانان در کویت و قطر، ترجمه ناهید سلامی، شاپور جورکش، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

کارل، تری لین (۱۹۴۷)، معمای فراوانی رونق‌های نفتی دولت‌های نفتی، ترجمه جعفر خیرخواهان، تهران، نشر نی.

لوسیانی، جیاکومو (۱۳۷۴)، بحران مالی دولت و گرایش دولت به دموکراسی، شماره ۲۱۰-۲۴۹.

محقق، سید عدنان (۱۳۸۹)، اصلاحات سیاسی در کویت، پژوهش نامه شورای همکاری خلیج فارس، شماره ۲۸.

محمودی، منصور نورایی (۱۳۹۳)، سیر تحول حکومت در خاورمیانه در قرن بیستم، گزارش اقتصادی، آشنایی با کشور کویت.

میرترابی سعید (۱۳۹۰)، نفت، سیاست و دموکراسی، تهران: نشر قومس.

موثقی، سیداحمد، غنی فرد، دلارام (۱۳۹۱)، نفت و دموکراسی: مورد کشورهای صادرکننده نفت، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۲.

میرترابی، سعید (۱۳۹۱)، هفت قاعده سیاست خارجی نفتی، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره اول.

۱۷۶ فصلنامه دولت پژوهی

مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۹)، نگاهی به جغرافیای سیاسی عراق و کویت، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی.

نوروز، محمد صادق (۱۳۹۳)، قیمت نفت در بودجه کشورهای تولید نفت، شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی، ۸/۶، ۱۳۹۳.

نای، جوزف اس (۱۳۹۲) آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران، نشرنی.

همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۷) نه مقاله در مورد جامعه شناسی تاریخی ایران، نفت و توسعه اقتصادی علیرضا طیب، تهران، نشرمرکز.

همدانی، عبدالرضا (۱۳۸۰) فرآیند نوسازی سیاسی در کویت، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هشتم، شماره ۴.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳)، موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، انتشارات روزنه، چاپ دوم.

یوسفی لیمائی، فاطمه (۱۳۷۹) گزارش کشوری کویت، اقتصاد انرژی، شماره ۱۴.

(ب) انگلیسی

Alsabah, dr y. s. f (1980, The Economy of Kuwait. by Kegan paul, international ltd, Abingadon, Boston, USA, prees romah by hope service. SA.

al zumai, fahad (2013), Research paper, Kuwait programme on development, Governmence and Globalization in the Gulf state, june nowabr, the London school of economic sound political science, gulf university of science. www.ise.ol.uk/lsekp.

Basedau, Mattias (2004), "content matters, Rething the Resource cursein, sub- Saharan Africa "eman overs eas institute (Dul) working paper, n. 1, p. 7.

Economie report (2014) Kuwait Capital, standard, an, independent ratiny agency.

eifert benn, (2002) The political economy of fiscal policy and economic managerment in oil exporting countries, alan gelband nils borje tallroth the world bank, Africa regenal office of the chief economist, policy research woring paper , p. p. 289.

El- katifi , laura, segal, paul ,fattouh, bassam (2011) Anatomy of an oil based welfare state: Rent distribution in Kuwait ,research paper, Kuwait , programme on development Governence and Globalization in the Gulf states, oxford institute for energy stadies.

Karel, t. l, 2007, oil-led development: social, political and economic



- onsequences, CDDRLII (center on democracy, development and the rule of law, freedom spogli institute for international studies) working papers n. 16.
- Ross, Michel (2001) "does oil hiner. Democracy "world political, pp53.
- Smith, Benjamin (2004) "The wrong king of crisis: why oil Boom and Busts Rarely lead to Authoritathion Break down "forth coming, studies in comparative international development, manus cript: University of Florida.
- Torki bani, Mohammdd (2011), Characteristics, Challenges and the prospects for the future -Kuwait democratic experiment: roots, reality (department of political, science, yarmuk university al-zaytoonah university of Jordan, middle East, Ern and Islamic studies (in Asia) vol ,5, no,3.
- www.freedom house.org, (2017) report world, Kuwait, vwcpxmjzlu.
- www.indexmudi.com (2014) k,paper, Saudi Arabia, and Kuwait economy.
- www.reuters.com(2014), article 10/25, us-kuwait-finmin-idskcnoieoah 2014-2015.
- www.freedom house.org (2015) report, freedom-world.
- www.Kuwait economie date (2017). The heritage foundation org, index, country, Kuwait.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی